

نگاهی به تشبیه و کنایه در کتاب نفثه المصدور

دکتر فریده کریمی موغاری

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد ورامین

سعید قنبری فشی

کارشناس ارشد دانشگاه آزاد ورامین

چکیده

نفثه المصدور کتابی است تألیف محمد زیدری نسوی (۶۳۲هـ) که منشی سلطان جلال الدین خوارزم شاه بود. او در آخرین جنگ های شاهزاده شجاع با مغولان همراه او بود و خاطرات خود را از این شکست نوشته است و از این رو نفثه المصدور کتابی تاریخی ادبی است. از طرفی در تاریخ قتل و غارت مغولان است و از سویی عواطف خود را نسبت به مخدوم خود (سلطان جلال الدین) ایراد نموده است.

این کتاب یکی از شاهکارهای بدیع نثر فنی و از نمونه های عالی نثر مصنوع و منشیانه در قرن هفتم است.

راوی کتاب بر آن است تا با شیوهی تاریخ گویی، آفرینش هنری و به کارگیری دلنشین، کلمات و عبارات به اوج بالندگی برسند. ترکیب های وصفی، استعاری و کنایی در لایه های نهفته و آشکار واژگان این کتاب تنیده شده است. در این جستار به بررسی تشبیهات و کنایات به کار رفته در این اثر ماندگار می پردازیم.

کلید واژه: نفثه المصدور، تشبیه، کنایه، نثر فنی

مقاله حاضر در سه بخش زیر نگاشته شده است:

۱. مقدمه

۲. تشبیه و هنر به کارگیری آن در کتاب نفثه‌ المصدور

۳. کنایه و هنر به کارگیری آن در کتاب نفثه‌ المصدور

۱. مقدمه

علامه محمد قزوینی در مقدمه‌ی کتاب نفثه‌ المصدور آورده اند که: «نسوی در ابتدا در ملازمت ولایه محل نساء بوده است و در سال ۶۲۱ پس از غلبه‌ی سلطان جلال الدین به برادرش غیاث الدین در همدان به دستگاه جلالیه می پیوندند و تا آخر عمر سلطان جلال الدین در ملازمت ایشان بوده و روز به روز بر اعتماد سلطان جلال الدین به خود می افزوده است.» [محمدقزوینی، به نقل از مقدمه‌ی نفثه‌ المصدور، ۱۳۴۸: ۶۷] «تا اینکه در سال ۶۲۲ که جلال الدین به عزم تسخیر آذربایجان از عراق وارد مراغه می شود منصب انشاء کتابت را برعهده می گیرد.

وی تا سال ۶۲۸ یعنی سالی که جلال الدین در شبیخون مغول برای بار اول بگریخت در خدمت او بود و در اواخر سمت وزارت یافت و در آن سال از او دور ماند و به رسالت شام مأمور شد.

بعد از آنکه نسوی از جلال الدین دور شد، دچار بدبختی های عظیمی گردید و عاقبت در سال ۶۲۸ به میافارقین رفت و در پناه صاحب آنجا «الملك المظفر» اقامت گزید و در آنجا خبر ناچیز شدن جلال‌الدین را که کبوتر به نامه آورده بود شنید و رساله‌ی «نفثه‌ المصدور» را که خلاصه ای از وقایع اخیر را در بر دارد و مرثیه‌ای سوزناک در پایان کار جلال‌الدین و دولت او است، نگاشت و دیگر کتاب سیره جلال‌الدین را در سال ۶۳۹ به عربی در آن بلاد در قلم آورد. محمد نسوی تا سال

۶۳۹ که تألیف سیره جلال الدین باشد زنده بود و بعد از آن خبری از او نداریم.»
[بهار، ۱۳۸۱، ج ۳: ۱۹]

دکتر یزدگردی در مقدمه کتاب نفثه المصدر آورده‌اند که: «در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری، تقریباً همدوش با نثر ساده و بی‌تکلفی که دنباله‌ی نثر دوره سامانی و غزنوی بود، شیوه‌ای در نثر فارسی به وجود آمد که به تدریج آن را از صورت ساده و بی‌تکلف و روان دور ساخت و در طی قرن ششم و هفتم تقریباً جای آن را بگرفت. دلایل عمده‌ی این تحول را در عوامل زیر می‌توان خلاصه کرد:
- گذشتن مدتی نسبتاً طولانی از حمله عرب و انقطاع تدریجی رابطه ادبی ایرانیان با گذشته خود.

- نفوذ و شیوع روز افزون دیانت اسلام و علوم متعلق بدان، همچون علم قرائت و تفسیر و حدیث فقه و کلام، که خود متضمن رواج و اشاعه‌ی زبان و ادبیات عرب بود. مراد از نثر مصنوع و فنی، نثری است که بنای آن بر آرایش سخن و تناسب الفاظ و معنی نهاده شده است، همچون آوردن سجع و موازنه و ترصیع و تضمین مزدوج و ایهام و تضاد و مراعات نظیر و ارسال مثل و حسن تعلیل و مبالغه و اغراق و غلو، و نیز اطناب در وصف به طریق استعمال مترادفات لفظی و ایراد جمل متوازن و متقارن و تضمین آیه و حدیث و خبر و شعر و مثل و استشهاد بدانها، و استفاده از مصطلحات علوم در بیان تعبیرات و اصرار در آوردن تشبیهات و استعارات بدیع و ابداع کنایات جدید و دیگر بدایع لفظی و معنوی کلام.» [یزدگردی، مقدمه نفثه المصدر، ۱۳۴۸:
[۱ و ۲]

۲. تشبیه و هنر به کارگیری آن در کتاب نفثه المصدر:

دکتر احمدنژاد در تعریف تشبیه آورده‌اند که: «تشبیه مانند کردن دو چیز است به

هم و به عبارت دیگر یافتن صفت مشترکی است بین دو چیز. مایه اصلی تشبیه، اغراق و خیال انگیزی است و همین اغراق و خیال انگیزی است که تشبیه ادبی خیال انگیز را از مقایسه ادبی تشبیه گونه متمایز می کند.» [احمدنژاد، ۱۳۸۵: ۱۴]

یکی از مهم‌ترین فنونی که نسوی در کتاب گرانقدر خود به کار برده است استفاده از تشبیهاتی است که به کمک آنها توانسته است ذهن مخاطب را به آنجا که مورد نظرش است برساند. و در این راه سعی کرده است که از آوردن تشبیهات کهنه و ساده و طبیعی دوری ورزد تا با استفاده از تشبیهات نو و دور از ذهن به نثر خود امتیازی خاص بخشد و در آن تنوعی به وجود آورد، و این جمله اسباب و عللی است که نثر وی را از سادگی و روانی به نثر مصنوع و متکلف تبدیل کرده است. حال انواع تشبیه به کار رفته در این اثر هنری را بر می شماریم:

۱-۲. محسوس به محسوس:

«دو طرف تشبیه یعنی مشبه و مشبه‌به ممکن است هر دو حسی باشند و مقصود از حسی چیزی است که به یکی از حواس پنجگانه (دیدن، شنیدن، بوییدن، چشیدن و بسودن) ادات شود مانند: خدّه کالورد جلده کالحریر.» [ماهدخت بانو همایی، یادداشت‌های استاد علامه جلال الدین همایی درباره معانی و بیان، ۱۳۷۳: ۱۴۴]

* سنان سرافراز به مثال زور آزمایان سرافراز گشته. ص ۲، س ۲۱.

* تن در تکالیف دهر غدار مانند چشم خوبان ناتوان. ص ۷، س ۳.

* و صاعقه ای که سیلاب خون بر حزن و سهل راند، سهل نی. ص ۱۲، س ۱۴.

* کوه بر مثال مجرمان با کفن و تیغ در پای سلطان میغ افتاده. ص ۹۹، س ۱۱.

* و انتمای آن بچه شیر در بیشه‌ی نیزه و شمشیر بوده است. ص ۷۲، س ۱۱.

* و پیش خورد سگان تاتار دهان بیالود. ص ۶۱، س ۳.

جلال الدین همایی درباره معانی و بیان، ۱۳۷۳: ۱۴۴]

- * سنان چون راز در دل هم آواز جای گرفته است. ص ۵۲، س ۵.
- * اگرچه خون چون غصه بحلق آمده. ص ۵، س ۵.
- * [جلال الدین] بخت خفته اسلام بود، بیدار گشت پس بخت. ص ۴۷، س ۹.
- * [من] شاد چون خیال گنج اندیش، بریه از بریه پرداخته. ص ۳۰، س ۵.
- * شمشیر چون بارگناه برگردن نیکخواه. ص ۵۲، س ۸.
- * خود را پیاده و پای کشان، با مغاری چون حال محنت زده و حوصله‌ی بخیل، تنگ و تاریک انداخت. ص ۵۷، س ۲۱.
- و دیگر موارد: ص ۴، س ۳؛ ص ۲۶، س ۵؛ ص ۲۶، س ۶؛ ص ۳۰، س ۵...
- این نوع تشبیه در کتاب نفثه‌المصدور ۲۲ مورد یافت شده است.

۲-۴. معقول به معقول:

- «آن است که دوامر معنوی و عقلی به همدیگر تشبیه شوند.» [تجلیل، ۱۳۸۵: ۴۵]
- * هر چند سعادت شهادت که شهدا را غایت امنیت و کمال ارادتست. ص ۵۳، س ۸.
 - * خریده دنیا که چون دولت بجان خریده بودم. ص ۱۱۳، س ۱۲.
 - * و این معنی در خلال آن حلال زاده... در همه روم و شام چون کفر ابلیس و فسق لاقیس چنان مهجور شده است.... ص ۶۲، س ۸.
 - * ای دوست در خزان امانی کامرانی توقع کردن نادانیست. ص ۳۸، س ۷.
 - و موارد دیگر: ص ۶، س ۷؛ ص ۶، س ۸؛ ص ۲۹، س ۹...
 - این نوع تشبیه در کتاب نفثه‌المصدور ۲۲ مورد یافت شده است.

این نوع شمشیر در کتاب *نفتة المصدور* ۷ مورد یافت شده است.

۱۲-۲. تشبیه ملفوف:

«و آن چنین است که جمع کنند هر یک از دو طرف تشبیه را با مثل خودش، مثل آنکه جمع کنند مشبه را با مشبه‌به و مشبه‌به را با مشبه. بطوریکه اول مشبهات را ذکر کنند، بعد مشبه به ها را.» [حسام العلماء آق اولی، ۱۳۷۳: ۱۴۵]

* و درگاه مبارک سلاطین بیت ایوبی و ملوک خاندان عادللی، کعبه فتوت و صفا و مروه این خانه، صفا و مروّت است. ص ۱۱۵، ص ۶۰ و ۷.
تشبیه ملفوف در کتاب *نفتة المصدور* این یک مورد یافت شد.

۱۳-۲. تشبیه مرسل (صریح):

«تشبیهی است که ادات تشبیه داشته باشد.» [قاسمی، ۱۳۸۰: ۳۶۳]

* تدبیر در میدان تقدیر چون گوی سرگردان شده. ص ۲، ص ۳.
* تو بر مثال ناهلان شب در شراب مشتعل و روز در خمار.
* سلامت از میان امت چون زه کمان گوشه نشین شده.
* طرفه آنکه من بنده که چون آهوی دام دریده و مرغ قفص شکسته آمده بودم.
ص ۴۰، ص ۵.

و دیگر موارد: ص ۱، ص ۱۰ و ۱۱؛ ص ۲، ص ۱ و ۲؛ ص ۵، ص ۵؛ ص ۶، ص ۷ و

این نوع تشبیه در کتاب ۹۰ مورد یافت شده است.

۱۴-۲. تشبیه مؤکد (استوار):

«تشبیهی است که ادات تشبیه نداشته باشد.» [قاسمی، ۱۳۸۶: ۳۶۷]

* تاراض با طول و عرض برایشان، چون چشم و حوصله ایشان تنگ کرد. ص ۳۰، س ۵.
موارد دیگر: ص ۳۲، س ۶ و ۱۲؛ ص ۴۲، س ۱؛ ص ۶۰، س ۲ او...
این نوع تشبیه در کتاب ۱۲ مورد یافت شده است.

۱۹-۲. تشبیه رسا (بلیغ):

«تشبیهی است که مانروی و مانواژ هیچیک در آن آورده نشده باشند. به سخنی دیگر، تشبیه رسا از سویی مجمل و از سوی دیگر استوار است. گاه تشبیه رسا در آمیغی بر افزوده (ترکیب اضافی) به کار برده می شود؛ بدان سان که یکی از دو سوی تشبیه به دیگری برافزوده می گردد. این آمیغ همان است که در دستور زبان آن را «اضافه تشبیهی» می خوانند. [کزازی، ۱۳۸۵: ۷۳]

* صندوق استخوان را که ایوان کسری روحست. ص ۵۵، س ۹.
* این بنا اساسیست که بر «شفا جرفِ هارِ»، نهاده است و تخمیست که در زمین شوره انداخته. ص ۶۰، س ۲ او.
* شجره شمشیر که بهشت در سایه اوست چون درخت دوزخیان سر بار آورده. ص ۱، س ۱۱.

* آبستان لیلی را هر لحظه اگر چه حاله معین شده حبلی را.... ص ۲، س ۴.
* یمانی در قراب رقاب جایگیر آمده. ص ۲، س ۷.
و موارد دیگر: ص ۲۶، س ۳ و ۴؛ ص ۴۵، س ۷ و ۶؛ ص ۱، س ۳ و ۴؛ ص ۳، س ۷ و...
تشبیه بلیغ در کتاب نفثة المصدر ۱۶۷ مرتبه یافت شده که ۱۵۶ مورد آن به صورت اضافه تشبیهی به کار رفته است.

۲۰-۲. تشبیه معکوس یا مقلوب:

دکتر تجلیل در توضیح این تشبیه آورده اند: «این اصلی است در علم منطق که

۳ - کنایه و هنر به کارگیری آن در کتاب نفثه المصدور:

دکتر شمیسا در تعریف کنایه آورده ند که: «کنایه ترکیب یا جمله ای است که مراد گوینده معنای ظاهری آن نباشد. اما قرینه‌ی صارفه بی هم که ما را در معنای ظاهری متوجه معنای باطنی کند وجود نداشته باشد. پس کنایه ذکر مطلبی و دریافت مطلب دیگر است. این دریافت با تداعی معمولاً از طریق انتقال از لازم به ملزوم و یا برعکس صورت می گیرد. چنان که در تعریف کنایه می توان گفت که ذکر جمله یا ترکیبی است که به جای معنی ظاهری، مراد یکی از لوازم معنی آن است. به الفاظ و معنای ظاهری مکنی به و به معنای مقصود، مکنی عنه می گویند.» [شمیسا، ۱۳۸۶: ۸۵]

در کتاب نفثه المصدور نیز کنایه بدون اغراق مهمترین صنعتی است که خواننده با آن روبرو می شود. نسوی برای بیان مقصود خود، با آوردن کنایات متعدد و پرشمار که شاید می توان هدف از آوردن آنها را رهایی از مورد مواخذه قرار گرفتن از طرف حاکمان آن روزگار دانست استفاده کرده است. حال در این قسمت به بررسی انواع کنایه به کار رفته در این کتاب می پردازیم.

۱-۳. کنایه از صفت:

«آنست که لفظ یا الفاظی را به صورت کنایه بیان کنند و مرادشان از آنها صفتی خاص باشد مانند: «دامن به کمر زدن» که کنایه از «آماده بودن» است. وقتی کسی بگوید: من در خدمت شما دامن به کمر بسته ام، کنایه از این است که: در خدمت شما آماده ام.» [محمدعلی صادقیان، ۱۳۷۱: ۲۱۳]

* زمین که از قطرات ژاله رنگ لاله داشتی. ص ۱، ۹ و ۱۰.

رنگ لاله داشتن کنایه از شادابی

* آن خاکساران آتشی را خاک سوی ممکن اجل می راند. ص ۳۳، ۱۲.

و ۵؛ ص ۱۴، ۱؛ ص ۲۰، س ۱۴....

کنایه از موصوف در این کتاب ۴۶ مورد یافت شده است.

۳-۳. کنایه از فعل یا مصدر:

«فعل (گروه فعلی) یا مصدر مرکبی (مکنی به) در معنای فعل یا مصدر دیگری (مکنی عنه) به کار رفته باشد. و این رایج ترین نوع کنایه است. کمر بستن: آماده کاری شدن.» [شمیسا، ۱۳۸۶: ۹۷]

همچنین رضا قاسمی در تعریف کنایه از فعل آورده است که: «در این شکل از کنایه مکنی به حالت فعل یا جمله ای را دارد که از آن پی به جمله یا فعلی دیگر را اراده می کنند.» [قاسمی، ۱۳۸۶: ۴۹۷]

* تدبیر در میدان تقدیر چون گوی سرگردان شده. ص ۲، س ۳.

سرگردان شدن تدبیر کنایه از عاجز و ناتوان شدن.

* فرات که نبات رویانیدی، رفات بار آورده. ص ۱، س ۸ و ۹.

بار آوردن کنایه از پرورش دادن.

* و چون بلا را بحوالی خویش محیط دیده، حین لایغنی الندامة، پشت دست می

خاییده. ص ۱۰، س ۶ و ۷.

پشت دست خاییدن کنایه از اظهار پشیمانی کردن.

موارد دیگر در کتاب نفثة المصدور: ص ۱، س ۱؛ ص ۱، س ۲؛ ص ۱، س ۶ و ۷؛

ص ۱، س ۱۳؛ ص ۲، س ۲....

کنایه از فعل و مصدر در این کتاب ۴۳۴ مورد یافت شده است و این نوع کنایه

پرکاربردترین در کتاب نفثة الصدور است.

۷-۳. تلویح:

«در لغت به معنی اشاره کردن به چیزی است که دور و در اصطلاح علم بیان کنایه ای است که در آن انتقال از ملزوم به لازم نیازمند واسطه های متعدد باشد. به عبارت دیگر همان کنایه بعید است.» [احمدنژاد، ۱۳۸۵: ۸۶]

* تا قاطع ارحام حیات، یعنی سیف، در کار آمده، صلت رحم بکلی مدروس شده. ص ۲، س ۱۳.

در کار آمدن سیف کنایه از استفاده بسیار از شمشیر، جنگ و خونریزی و کشتار بسیار.

* و اعوام مهاجرت هم بالای ساق قیامت افتاده. ص ۶، س ۶.
کل جمله کنایه است از روز قیامت که هزار سال است و ساق آن ($\frac{1}{4}$) می شود ۲۵۰ سال، طولانی بودن اعوام مهاجرت.

* و بمؤاتات سعادت که آن روز بود، و گویی همان روز وداع فرمود. ص ۹، س ۱۰.
و داع کردن سعادت کنایه از ترک و رفتن خوشبختی و آمدن بدبختی و گرفتاری.
موارد دیگر در کتاب نفثة المصدور: ص ۱، س ۷؛ ص ۲، س ۳؛ ص ۲، س ۷؛ ص ۲، س ۸؛ ص ۱۴، س ۶؛ ص ۲، س ۱۳؛ ص ۵، س ۱۰....

کنایه از تلویح در این کتاب ۲۸ مورد یافت شده است.

۸-۳. رمز:

«آنست که وسائط اندک اما ملازمه مخفی باشد. مثل عریض القفا و عریض الوسائط که هر دو کنایه از بلاد و کودنی است. در فارسی کم زهره و مرغ دل کنایه از جهان و ترسو است.» [بانو ماهدخت همایی، ۱۳۷۳: ۲۱۰]

* و عالم لباس شباب ناپوشیده، شتاب زده بر سر دوانید. ص ۱۰۰، س ۹.

موضوع سیاست و کیاست وی را نیز نشان می‌دهد. در مقاله‌ی حاضر، ۵۵۷ مورد از کنایات مورد استفاده‌ی مولف به صورت ایما آورده شده است که این یک امر طبیعی است چرا که ساده‌ترین و گویاترین نوع کنایه که مخاطب با آن مأنوس می‌شود، همین نوع است. در کل نسوی بنای این کتاب را بر آرایش سخن و تناسب الفاظ و معانی نهاده است که با استفاده از این روش یکی از آثار برجسته نثر فنی و مصنوع را خلق کرده است.

منابع

- ۱- آق اولی، حسام العلماء ۱۳۷۳، درالادب، قم، انتشارات هجرت.
- ۲- احمدنژاد، کامل، ۱۳۸۵، معانی و بیان، تهران، انتشارات زوار.
- ۳- بهار، محمد تقی، ۱۳۸۱، سبک شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، ج ۳، تهران، انتشارات زوار.
- ۴- تجلیل، جلیل، ۱۳۸۵، معانی و بیان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۵- دبیر سیاقی، سید محمد، ۱۳۷۶، تقریرات استاد بدیع الزمان فروزانفر، تهران، انتشارات فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی.
- ۶- رجایی، محمد خلیل، ۱۳۵۹، معالم البلاغه در علم معانی و بیان، انتشارات دانشگاه پهلوی.
- ۷- شمیسا، سیروس، ۱۳۸۶، بیان، تهران، نشر میترا.
- ۸-،، بیان و معانی، تهران، نشر میترا.
- ۹- صادقیان، محمد علی، ۱۳۷۱، طراز سخن در معانی و بیان، تهران، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۱۰- علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۸۷، معانی و بیان، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۱- قاسمی، رضا، ۱۳۸۸، معانی و بیان تطبیقی، تهران، انتشارات فرودس.
- ۱۲- کزازی، میرجلال الدین، ۱۳۷۷، زیبای شناسی سخنی پارسی (بیان)، انتشارات کتاب ماد (نشر مرکز).
- ۱۳- نسوی، محمد زیدری، نثته المصدور، تصحیح و تفسیر امیرحسین یزدگردی، ۱۳۸۱، تهران، انتشارات توس.
- ۱۴- ماهدخت بانو همایی، ۱۳۷۳، یادداشت های استاد علامه جلال الدین همایی، تهران، موسسه نشر هما.
- ۱۵- همایی، جلال الدین، ۱۳۸۳، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران، نشر هما.